

## بازنمایی گستره و عناصر شاخص محله نلبان اصفهان در دوره قاجاریه

مهسا پایه دار<sup>۱</sup>، محسن افشاری<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳)

### چکیده

زندگی در شهرهای سنتی ایران تا اواخر دوره قاجاریه در قالب محله انتظام و معنا می یافت که در پی توسعه های شهری دوره پهلوی دچار تخریب و گسست کالبدی و کارکردی گردید. به مرور زمان تغییر سبک زندگی و تسریع در روند آن موجب تحولات معنایی، انزوا و نابودی ساختار محلات از حافظه جمعی شهروندان گردید. از آن جا که محله بستر زندگی جاری در شهر قدیمی و مهم ترین مقیاس سکونتی محسوب می شود مطالعه ساختار و عناصر شاخص آن حائز اهمیت است. حال آن که پیرامون ساختار محلات شهر اصفهان در دوره قاجاریه و به منظور شناخت هر یک از محلات با دیدگاه مطالعات تاریخ معماری تحقیق زیادی صورت گرفته است. در این راستا محله نلبان که از قدیمی ترین و بزرگ ترین محلات اصفهان و واقع در جانب غربی این شهر بوده است در دوره مذکور مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. هدف این بازنمایی تدقیق و ترسیم پیشینه تاریخی یکی از مهم ترین شهرهای تاریخی ایران است. پژوهش حاضر از روش تاریخی تفسیری و با استفاده از منابع مکتوب معتبر تاریخی صورت پذیرفته است. داده های تاریخی که وجود محله از آن نشأت می گرفت و یا برای افراد محلی اهمیت داشت به عنوان مولفه های شاخص از منابع گوناگون شامل نقشه ها، سفرنامه ها، تاریخ نگاری ها و ... تدوین و استخراج شد و با نگرشی متفاوت در پنج دسته شاخصه های طبیعی، تاریخی، اقتصادی و شغلی، جمعیتی و کالبدی تبیین گردید. در نهایت با استفاده از مطالعات انجام شده و تطبیق با نقشه سیدرضاخان گستره این محله در شهر دوره قاجاریه بازترسیم شد و شناخت عناصر شاخص در این محله و موقعیت یابی آنان صورت پذیرفت. این مطالعات نه تنها به لحاظ تاریخ نگاری شهری ارزشمند است بلکه چنان که ساختاری برگرفته از رفتارها و فعالیت های انسان ها در بازه زمانی طولانی و منطبق با محیط طبیعی خود بوده است برای فرایند ارتقاء کیفی شهرهای امروزی امری ضروری است.

واژگان کلیدی: بازنمایی، محله، نلبان، قاجاریه، اصفهان.

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌ها دخالت در محیط‌زیست طبیعی و ساختن محیط مصنوع جهت زندگی اجتماعی است. در میان ساخته‌های دست انسان، بی‌شک فضاها و محل‌های زندگی شهری پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین مصنوع بشری بوده و در واقع عصاره تلاش و تمدن انسانی در روی زمین در شهرها تجلی پیدا کرده است. (امیرخانی، بقایی و بمانیان، ۱۳۸۸: ۶۱). شهر به مثابه بستر زندگی جمعی در جوامع مختلف ویژگی‌های متفاوتی داشته است. بررسی روند شکل‌پذیری شهرهای مختلف در تاریخ، اثرپذیری آن را از مؤلفه‌های اقلیمی، محیطی، اعتقادی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و دینی نشان می‌دهد. (مردانی، ۱۳۹۴: ۶۶).

«محلات در شهر به عنوان کوچک‌ترین واحدهای مدنی محسوب شده که شامل تمامی ویژگی‌های شهر هستند.» (کاشانی جو و فتح‌العلومی بهار، ۱۳۹۴: ۲). «مقیاس‌هایی نظیر محله، به عنوان مهم‌ترین مقیاس سکونت در شهر، همواره بخش مهمی از دغدغه‌های فکری و حرفه‌ای اندیشمندان و مدیران حوزه شهری را به خود اختصاص داده است» (موقر، رنجبر و پورجعفر، ۱۳۹۴: ۳۶). «پیدایش مفهومی همچون «محله» دارای تاریخچه‌های طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی دارد» (ثقه‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴). محله از طریق برخی عوامل و یا اماکن و فضاهای عمومی و شاخص، پیوند میان گروهی از جامعه را در خود و در ارتباط با دیگر محله‌ها و همه شهر برقرار می‌کند. «محله در تاریخ اجتماعی و زندگی شهری ایرانیان توأم با ویژگی‌ها و نشانه‌هایی مانند: روابط و پیوندهای میان‌خانوادگی، معاشرت‌های نزدیک و «رو در رو»، بر خورداری از تعلقات مشترک در میان ساکنان یک مکان، است بنابراین محله‌ها در شهرهای گوناگون از نظر ساخت کالبدی، فضاهای عمومی، سیمای خانه‌ها، ساختار اجتماعی و روابط جمعی و... ممکن بود تفاوت‌های بارزی از یکدیگر داشته باشند و اعتبار هر محله بسته به ساکنان آن، فزونی می‌یافت. هر محله بنا به ویژگی‌هایی که داشت از محلات همجوار خود متمایز می‌شد؛ گاه این وجوه تمایز در گروه‌بندی اجتماعی، اقتصاد، نقش سیاسی، ویژگی‌های معماری، کارکرد و ساختار فرهنگی از گونه مذهبی و رسم‌ها و حتی زبان، گویش و لهجه کاملاً نمایان بود و گاه الگوهای خاص، پیونددهنده و وحدت‌بخش در میان همه محله‌ها بودند که در این صورت وحدت در پیوند با تنوع، به سان دیگر وجوه فرهنگی در ایران، پروام می‌ماند.» (باستانی راد، ۱۳۹۱: ۲).

امروزه نبود الگویی متناسب با بستر اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور و تکیه بر الگوهای وارداتی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را با مشکل روبه‌رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها را به حداقل رسانده است (کلانتری خلیل آباد، حقی و دادخواه، ۱۳۹۳: ۱۸). در شهرهای امروزی نقش محله‌های شهری در ساختار اجتماعی شهر ایرانی اسلامی به شدت کاهش یافته است

(سالاری پور، و غیره ۱۳۹۷، ۳۸) و فرسایش و تخریب محله‌های بافت تاریخی شهر اصفهان تهدیدی جدی در جهت تزلزل و از هم پاشیدگی هویت فرهنگی و تاریخی شهر محسوب می‌شود (سرائی، بهرامی و مهره‌کش، ۱۳۹۱: ۲۸). لذا شناخت جامعی از این واحدهای شهری پراهمیت می‌تواند علاوه بر ارزش تاریخی‌نگاری و ثبت پیشینه تاریخی هر شهر؛ در راستای ساماندهی و برنامه‌ریزی برای بافت‌هایی با قدمت تاریخی ضروری باشد چرا که لازم است دخل و تصرف‌های صورت گرفته در ساختارهای این دسته از محلات با دقت نظری دو چندان و با شناخت نسبت به ساختار پیشین آن صورت پذیرد.

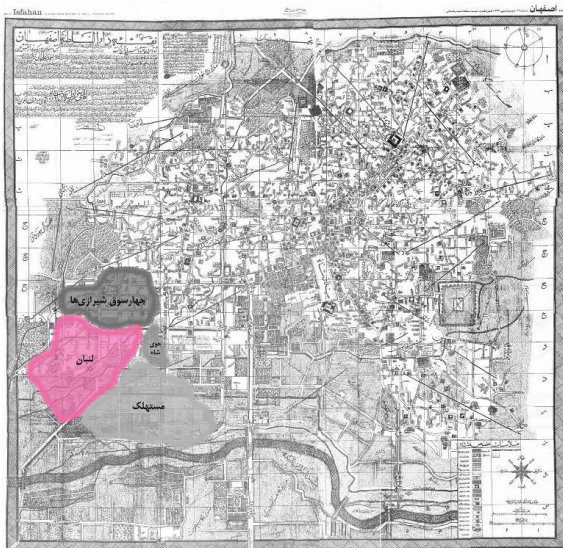
محله‌لنban اصفهان در زمره محلات قدیمی شهر اصفهان و از بزرگترین آنان به شمار می‌رود که بی‌تردید پژوهشی جدی به منظور معرفی بافت آن نه تنها در بازه زمانی قاجاریه، بلکه در هیچ‌یک از دوره‌های تاریخی انجام نشده است. این پژوهش با اتکا به مستندات تاریخی و منابع شفاهی (به صورت غیرمستقیم) و با هدف شناخت گستره و عناصر محله‌لنban در دوره قاجاریه شکل گرفته است. تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- گستره محله‌لنban اصفهان در دوره قاجاریه کجاست؟
- عناصر شاخص این محله در دوره قاجاریه چه بوده است؟

## روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تاریخ‌تفسیری انجام شده است؛ برای این منظور منابع تحقیق که در زمره منابع مکتوب هستند با شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. درک حقیقت معماری گذشته، از کنار گذاشتن تمام پیش‌فرض‌ها و قواعدی آغاز می‌شود که بر اساس نگرش امروز به این میراث نسبت داده و بر پایه معماری و هنر گذشتگان ادراک می‌شوند. برای درک کیمیای معماری گذشته باید انسان گذشته را فهمید و از دریچه نگاه او به جهان نگرست (سروش، ۱۳۸۵: ۸۰). به منظور دستیابی به داده‌هایی برآمده از دوره قاجار بیشتر به کتاب‌هایی از سفرنامه‌ها و تواریخ «محلی» پرداخته شد که بیشتر به شرح «مکان» پرداخته‌اند چنان که دکتر باستانی یاریزی معتقد است «هرچه یک تاریخ، سرزمین کوچک‌تری را فرا بگیرد، امکان بیشتر دارد که در مسائل جزئی، دقیق‌تر و صحیح‌تر شود» (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۱) چرا که مورخ حوصله و مجال بیش‌تری برای داشته است تا شهر و منطقه خود و نکات ارزشمند که جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد؛ شرح دهد (رجائی، چلونگر و نورائی، ۱۳۹۰: ۳۰). لذا داده‌ها شامل اسناد دست‌اول تاریخی، آثار مکتوب پژوهشگرانی که جمع‌بندی و توصیفی از این متون داشته‌اند، تهیه عکس‌های قدیمی و یافته‌های به دست آمده دیگر پژوهش‌ها در دوره قاجاریه است. پس از انسجام مفهومی داده‌ها، تحلیل و تطبیق بر نقشه اصفهان به منظور تدوین نظرات جدید و تهیه نقشه‌ای جامع از گستره و عناصر این محله انجام شده است.

لبنان براساس دو کتاب احصائیه و الاصفهان جزو ناحیه یک از نواحی چهارگانه اصفهان عصر میر سید علی جناب به شمار می‌رفته است. در مقیاس تقریبی با وضعیت کنونی شهر اصفهان، شرق آن به خیابان شهید بهشتی (بهشتی نژاد، سمت شرقی را خیابان اردیبهشت با نام پیشین مستهلک می‌داند)، غرب به بزرگراه خیام این خیابان در دوره پهلوی، به دور شهر شهرت داشته است)، شمال به خیابان صارمیه و جنوب به حواشی رودخانه زاینده رود محدود می‌شود (جناب، ۱۳۹۳: ۳۴). نقشه اصفهان کنونی نشان می‌دهد بسیاری از جای‌نام‌ها بدون مشخص بودن دلایلش و حفظ ساختار شکلی مکان، همچنان بر نقاط شهری باقی مانده است. محله لبنان در دوره قاجاریه در جنوب غربی شهر و در جوار سه ناحیه چهارسوق شیرازی‌ها، جوی شاه و مستهلک قرار داشته است. این محله از جانب غربی به صحراهای حاشیه شهر منتهی می‌شده است که در شکل ۱ موقعیت محله لبنان در نقشه سید رضاخان (نقشه دوره قاجاریه از اصفهان) و محلات هم‌جوارش نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: موقعیت محله لبنان در شهر اصفهان دوره قاجاریه و نسبتش با دیگر محلات مجاور؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

### شاخصه‌های طبیعی

همانطور که پیشتر اشاره شد این محله در ناحیه یک شهر اصفهان قرار دارد، می‌توان گفت دو هسته محله‌ای در آن وجود داشته است و بی دلیل نیست که آن را لبنانین گفته‌اند (شفقی، ۱۳۸۱: ۴۰۰). بهشتی نژاد در نقش شخصی که تجربه زندگی در محله لبنان را دارد، محدوده محله لبنان قدیم را چنین می‌داند: لبنان و لبنانچی و صحرا و سه پله از قسمت‌های مهم لبنان در نقشه‌های قدیمی بوده که دو قسمت آخر یعنی صحرا و سه پله قسمت‌های زراعی و باغات محله لبنان محسوب می‌شده است. این محله در جانب غرب و جنوب غربی شهر واقع بوده که به لحاظ جغرافیایی موقعیت بسیار مناسبی به شمار می‌رود؛ علاوه بر آن هم‌جواری با رودخانه زاینده رود یکی از محاسن این محله تلقی می‌گردد. بعضی از نام‌هایی که بهشتی نژاد به آن‌ها اشاره می‌کند، در متن صورت احصائیه

در مباحث نظری حوزه جغرافیای تاریخی که نخستین بار به صورت آکادمیک در قرن بیستم به بحث گذارده شد. با تاکید بر دشواری پژوهش در این حوزه مسائلی همچون فرهنگ انسانی که پیشتر در حوزه جغرافیای انسانی می‌گنجید، دارای ماهیتی تاریخی بود؛ بنابراین انسان به عنوان محور تحول در جغرافیای تاریخی، عامل تاثیرگذار در آفرینش فرهنگ در این تحقیقات معرفی شد. در این نگاه هر چند اصالت را بر جغرافیا (مکان) قرار دادند، ولی مهم آن بود که داده‌های آن از طریق بررسی‌های تاریخی فراهم می‌شد (Sauer, 2009: 4-15). از آن‌جا که الگویی جهت تحقیق و پژوهش‌های بنیادی بر جغرافیای تاریخی صورت نگرفته است؛ در فرآیند این پژوهش، پس از تبیین وجه تسمیه لبنان، شاخصه‌های یافته شده درباره محله در پنج دسته شاخصه‌های تاریخی، طبیعی، اقتصادی و شغلی، جمعیتی و شاخصه‌های کالبدی تبیین و تحلیل شده است.

### مرور یافته‌های تحقیق

جای نام‌ها دلالت بر چگونگی پدیداری آبادی‌ها، شهرها، کشورها، و در شهرها عناصر کالبدی چون کوی‌ها، گذرها، کوچه‌ها، خیابان‌ها و میادین، عناصر معماری وابسته به شهرها، روستاها، معابر و ... دارد که در دل تاریخ بر جای مانده‌اند (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۲). شناخت نام‌ها علاوه بر اینکه به بررسی تاریخ اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند دریچه‌ای برای کشف ساختار شهری محله است. در اولین گام استفاده از جای نام‌ها؛ برای واژه «لبنان» معانی گوناگونی ذکر گردیده است که به صورت خلاصه در ذیل بیان خواهد شد:

«اول آن که لب در لغت به معنای بزرگ است و لبنان به معنی بزرگان. به دلیل سکونت افراد بزرگ و شاخص در این محله، آن را بدین نام خوانده‌اند. دوم آن که مصدر لبناندن در لغت به معنی فراوان خوردن خوراکی است و به دلیل این که در گذشته آن محل، مانند فضاهای عمومی و تفریحی شهر انگاشته شده و مورد توجه همگان بوده است. لذا خورد و خوراک در آن‌جا رواج داشته و آن را به نام لبنان یعنی محل خوردن می‌شناختند» (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳).

به نظر وجه تسمیه‌های مطرح شده، توسط بهشتی نژاد بسیار سطحی است ولی می‌توان مورد اول را چنین تعبیر کرد که لب به معنی بزرگ، به دلیل وسعت این محله بدان نسبت داده شده است؛ چرا که دانه‌های سازنده این محله را باغات، کاخ‌های تفریحی و بیشه‌ها تشکیل می‌داده است و به تبعیت از ذات و ساختار این دانه‌ها، به لحاظ وسعت از محلات دیگر شهر اصفهان بزرگ‌تر بوده است. البته لازم به ذکر است نام «لبنان» در دوره‌های پیشین به این محله اطلاق شده و لزوماً مربوط به دوره قاجاریه نیست. با این وجود تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که در دیگر دوره‌ها نیز این محله به لحاظ گستردگی با اختلاف زیادی از دیگر محلات وسیع‌تر بوده است.

هم ردیف با محله لنبان و به عنوان نام محله‌ای دیگر آورده شده است. گمان می‌رود اینان محدوده‌های کوچکی درون محله لنبان باشند، که تعرف و شناخت مکان‌ها را ساده‌تر می‌کرده‌اند و موجب خوانایی بافت این محله می‌شده‌اند. براساس نظرات بهشتی نژاد قسمت‌های آباد این محله در زمان‌های بسیار قدیم در اطراف مسجد لنبان و قسمتی از خیابان عباس آباد و صائب فعلی و قسمتی از خیابان اردیبهشت بوده و در زمان‌های بعد از آن در زمین‌های زراعی محله صحرا و سه پله و خیابان آتش توسعه پیدا کرده و در حال حاضر از کل محدوده دیگر باغ و صحرائی باقی نمانده و اکثر آن‌ها تبدیل به ساختمان‌های مسکونی و تجاری و اداری و خیابان شده است (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱ و ۱۲).

با نگاهی گذرا بر نقشه سید رضا خان واضح است که درصد زیادی از این محله را پوشش گیاهی باغات به خود اختصاص داده است. به همین دلیل اشاره به باغات به عنوان قسمتی از ساختار طبیعی محله ضروری است.

بهشتی نژاد باغات فراوان محله لنبان را چنین می‌شمارد: باغ تکیه که قبر صائب در آن قرار دارد - باغ جنت - باغ کوره - باغ آقا میر مؤمنی - باغ کلاتر - باغ معروف به ده جریبی - باغ مستهلک - باغ‌های آخر خیابان شاهپور و دنبال رودخانه، باغ مهیار و باغ حاج اسماعیل و حاج میرزا حسن خان تریاکی و باغ دولت و باغ ابراهیم خان سرتیپ و باغ حاج محمد جعفر (در محدوده گاراژ غروی) - باغ شاهزاده - باغ معتمدالدوله - باغ سادات - باغ نو - باغ زرشک - باغ حاج رضا - باغ علیقلی آقا - باغ دواشی، اسامی دو باغ از این باغها که در نقشه دارالسلطنه اصفهان، ترسیم شده در سال ۱۳۰۲ ش، موجود است (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۵) که البته به جز دو مورد از باغات فوق، نام بقیه در نقشه سیدرضاخان مشاهده نشد.

لازم به ذکر است آن چه در این قسمت باغ نامیده شده، الزاماً فضایی سرسبز و مملو از پوشش گیاهی نبوده‌است، چه بسا که به موجب قحطی و خشکسالی‌های دوره قاجار، این باغات به زمین‌هایی بایر و تنها با تعدادی نهال تبدیل شده باشند و نام نبردن از آن‌ها در نقشه سیدرضاخان نیز به همین دلیل امکان‌پذیر باشد.

### شاخصه‌های تاریخی

در اولین داده تاریخی مرحوم آقا سید محمد علی مبارکه‌ای در کتاب نورالانوار فی کشف احوال زینب بنت موسی ابن جعفر شرحی بر چگونگی آمدن فرزندان و خویشان موسی ابن جعفر (ع)

از مدینه به ایران این گونه نقل می‌کند: در آن زمان‌ها لنبان قصبه‌ای در کنار اصفهان بوده است (مبارکه‌ای، ۱۳۶۰: ۱۱) که با توجه به تاریخ شهادت امام رضا (ع)، این داده روایتی از وضعیت پیش از قرن دوم هجری است. جالب آنکه مبارکه‌ای در کتاب تاریخ اصفهان خود می‌نویسد دو محل در اصفهان مرکز نشر حدیث بوده یکی ابهر (ابر در خیابان جی) و یکی لنبان و دیگر جاها از محدثین این دو، حدیث فرا می‌گرفتند (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۹).

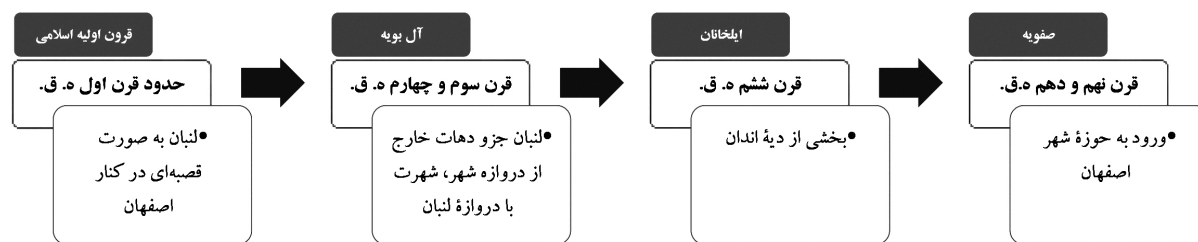
دو دوره حکومتی مهم در اصفهان وجود دارد. اول آل بویه که به طور قطع لنبان در ابتدای امر تا زمان علاءالدوله یکی از دهات نزدیک شهر اصفهان بوده است. آن دروازه شهر که نزدیک این ده بوده به دروازه لنبان خوانده می‌شده، پس از توسعه جزء شهر شده و از محلات مهم به شمار رفته است همچنین از دو قسمت لنبان سفلی و علیا تشکیل می‌گردیده است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۲۶۲).

حکمرانان کاکویه شهر اصفهان را وسعت دادند. مافروخی در محاسن اصفهان درباره محلات اصفهان آن عصر می‌نویسد:

«و از جمله محاسنی که رفته بقعه اصفهان به رتبت مزایا و زینت صفا یا محلی و مزین است بارویی هست محیط بر شهر مانند دور ملک چهارم بر قرصه مهر، متحد آن علاءالدوله مساحت دور آن زیادت بر پانزده هزار گام، بیرون آن چه خارج شهر مهمل نهاده و محلات مشهوره از آن منقطع و معطل افتاده مثل «کمان» و «برآن» و «سنبلان» و «خرجان» و «فرسان» و «باغ عبدالعزیز» و «کروآن» و «اشکهان» و «لنبان» و «ویدآباد» (مافروخی، ۱۳۸۵: ۷۷ و ۷۸).

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان نام «لنبان» را به عنوان بخشی از «دیة اندان» که از دیه‌های اصفهان بر می‌شمارد، آورده است (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۳۳۱). دیگر کتب منتسب به دوره ایلخانی نیز لنبان را از جمله دهات اطراف اصفهان بر شمرده‌اند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۲۵). یکی از آثار مهم و باستانی محله لنبان، مسجد لنبان است که اصل بنا، به طور یقین قبل از قرن ششم هجری بوده است (جناب، ۱۳۸۶: ۳۶)، که خود شاهدی بر قدمت تاریخی این محله است.

دومین دوره پر اهمیت در این شهر، دوره صفوی بوده، که این محله در زمره محلات جدیدی است که قبل از صفویه بیرون حصار شهر قرار داشته و در آن دوره به دنبال رشد و توسعه شهر جزو آن به حساب آمده‌است (جناب، ۱۳۹۳: ۲۵).



شکل شماره ۲: قدمت محله لنبان در دوره‌های مختلف تاریخی؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



## شاخصه‌های اقتصادی و شغلی

اقتصاد هر محله تا حد زیادی به موقعیت اقتصادی افراد ساکن در آن محله وابسته است و وضعیت اقتصادی آن‌ها تعیین کننده میزان آبادانی و رونق در آن محله خواهد بود چنان که امروزه نیز توان اقتصادی افراد است که آنان را در نقطه خاصی از شهر اسکان می‌دهد و یا توانایی آن‌ها در استفاده از خدمات مختلف را تعیین می‌کند (15: arigoni, 2001). بنابر روایت بهشتی نژاد محله لبنان در ابتدا محل سکونت پادشاهان و زمامداران صفوی بوده است (البته این نقل بدان علت است که وی محله عباس آباد را جزئی از محله لبنان در نظر گرفته است). در نهایت به دلیل قرارگیری این محله در خارج از حصار شهر، در هنگام حمله افغانه، جمعیت سرمایه‌دار حکومتی اکثراً به شهرها و مناطق دیگر کوچ کرده و باغات آنان خراب و منازل قدیمی هم مخروبه شد و از بین رفت. در دوره قاجاریه نیز ظل‌السلطان، فرزندان او و ایادی حکومتی آنان در این محل سکونت داشتند که بر اساس دیگر منابع به نظر می‌رسد مراد، سکونت موقت در محل باغات و کاخ‌های تفریحی آنان باشد.

به نظر می‌رسد که در زمان‌های قدیم مردم این محل به علت فراوانی آب و باغات منطقه به زراعت و چوب‌بری و نجاری و شغل‌های جنبی آن اشتغال داشته و بعضاً نیز به شغل‌های دولتی و آزاد مشغول بوده‌اند و همچون دیگر مناطق افراد عالم و دانشمند و صاحب منصب و شاعر فراوانی در اینجا زندگی کرده و یا به مناطق دیگر مهاجرت نموده و در آن جاها بلند آوازه شده‌اند (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۸).

آنچه از بررسی داده‌های دوره قاجار به دست می‌آید گویای آن است که لوطی‌گری از حرفه‌های شاخص این محله به شمار می‌آمده است. اشرار و الواط محله لبنان در دوره قاجاریه به عنوان حامی صاحب منصبان و قدرتمندان محله پاقعه و بیدآباد محسوب می‌شده‌اند و در اکثر رویدادهای اعتراضی الوار این محله در میدان حضور داشته‌اند.

بهشتی نژاد روایت می‌کند که در بین بعضی از پیرمردهای محل این صحبت بود که در زمان‌های قدیم در محله‌ی لبنان برای سفارش دهندگان، کبوترهای نامه‌رسان تربیت می‌کردند. حسین بن محمد ابراهیم تحویلدار اصفهانی، مؤلف کتاب جغرافیای تاریخی اصفهان، کسب و کار ایشان را پیله‌وری میان دهات و ایلات و کرایه کشی و کلک و تاپوسازی و زراعت و مزدوری دهات اطراف شهر و سایر معاملات می‌داند، همچنین نقل می‌کند که بعضی از مردان آن‌ها غلامان دیوانی و نوکران ولایت می‌شوند، به خدمات حکومت و عمال ولایت اشتغال دارند. سوارهای رشید میان این‌ها بهم می‌رسد، بزرگ اینها اولاد حاجی کلبعلی خان و حاجی هاشم‌خانند (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۹۱).

اما برخی رفتارها و حرفه‌ها به واسطه کالبد شهری، منحصر به یک محله می‌شده است و به خودی خود عملکرد ویژه‌ای در آن مکان ایجاد کرده است. در روایتی از بهشتی نژاد داریم: در زمان‌های قدیم از زاینده رود و نهرهای جدا شده از آن برای

حمل و نقل نیز استفاده می‌شد، بدین صورت که در روستاها و مناطق بالادست بیشه‌های فراوان از درخت چنار و کبوده قرار داشت و همچنین نیزارهای اطراف و داخل رودخانه که نی‌های آن را برای سبب بافی استفاده می‌کردند و پس از اینکه نی‌ها و تنه این درخت‌ها به حد لازم رشد می‌کرد و برای استفاده سقف و یا تولیدات نجاری و سبب‌سازی مناسب می‌شد؛ آن‌ها را قطع کرده و چون حمل و نقل آن به اصفهان به خاطر عدم وجود جاده و وسایل نقلیه، امکان‌پذیر نبود؛ در وقت مناسب که آب فراوان بود الوارهای چوب و بسته‌های نی را در دسته‌های معین به هم بسته و به رودخانه می‌انداختند. یک نفر هم در جایی مشخص روی الوارها می‌نشست و آن‌ها را بر روی آب هدایت و محافظت می‌کرد و به اصفهان می‌آورد. در نزدیک پل مارنان که نهر بزرگ نیاصرم و دیگر نهرها منشعب می‌شد آن‌ها را در مسیر مورد نظر هدایت کرده و به طرف لبنان می‌آوردند. در این محل به دلیل انشعاب بیشتر نهرها و دشواری حرکت چوب‌ها در پیچ و خم‌های فراوان آن‌ها، نی‌ها و الوار و چوب‌ها را بیرون کشیده و برای خشک شدن در معرض آفتاب قرار می‌دادند. همزمان کار عده دیگری شروع می‌شد، بدین ترتیب که ابتدا با داس‌های آهنین به پوست کندن از الوار و چوب‌ها پرداخته و عده‌ای آن را در اندازه‌های مختلف دسته‌بندی کرده در انبارهای مختلف که به آن‌ها چوبدانی می‌گفتند به حالت عمودی قرار می‌دادند تا خشک و از خمیدگی آن‌ها جلوگیری شود. در همین چوبدانی‌ها عده‌ای افراد پرقدرت با اهرهای دو طرفه بزرگ چوب‌های قطور و بلند را به اندازه‌های سفارش شده برش می‌دادند. به این افراد اهر کش می‌گفتند. نی‌ها و شاخه‌های باریک را هم برای ساخت سبد به کارگاه‌های مخصوص می‌بردند و اینجانب با چشم خود در دوران کودکی تمام این مراحل را از نزدیک دیده بودم و با بعضی افراد شاعلی در این کارها صحبت داشتم (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۵ و ۲۶). عدم اشاره به پیشه یاد شده در روزنامه‌های دوره قاجار ابهاماتی در شرح دقیق این فعالیت ایجاد می‌کند که می‌تواند ریشه در خشکسالی، وضعیت طبیعی آن دوره و از بین رفتن رونق این پیشه داشته باشد. گمانه دیگر در این باب آن است که شاید این حرفه در قسمت مشخصی از ابر محله لبنان یا در یک فضای کارگاهی شاخص صورت می‌گرفته است و به حد لزوم فراگیر و مورد شناخت همگان نبوده است.

## شاخصه‌های جمعیتی

محله اگرچه کالبدی با حدود و ثغور معین است و عناصری مشخص دارد، اما مفهومی صرفاً کالبدی نیست. جز مواردی بسیار محدود محله به دلایلی غیر کالبدی و در ارتباط با مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بسیار پیچیده‌ای شکل می‌گیرد (پارسی، منصوری و بدری، ۱۳۹۰: ۹۹۰). از سویی دیگر روابط محکم همسایگی با هویت ایرانی-اسلامی و بومی در محلات سنتی منجر به تجلی الگوهای مشترک زندگی، وابستگی عمیق محلی و محترم شمردن حریم‌ها شده بود (محمدی و آزاده، ۱۳۹۷، ۲۵). چنان که در رابطه با

بعضی مکان‌ها و محلات در شهرها روایاتی در مورد افراد، فرهنگ و زندگی اجتماعی آنان است که منابعی به آن‌ها اشاره نکرده‌اند ولی بعضی این روایات چنان به مکان اتصال یافته و همه به آن باور دارند که ذکر نکردن آن، همچون خلائی در بیان حق مطلب به نظر می‌رسد.

به طور مثال در ترجمه کتاب محاسن اصفهان (صفحه ۱۲۶) می‌گوید: «... و از آن جمله که اصفهان را به قدم میمون و مبارک مشرف و مکرم گردانیده‌اند از اهل بیت پیغمبر (ص) امیرالمؤمنین الحسن ابن علی ابن ابی طالب و صاحب روضات می‌فرماید امام مجتبی (ع) در محلی که بعداً مسجد والرضوان النبان در آن بنا شده نماز گذاردند.»

بهشتی نژاد در کتاب لبنان نقل می‌کند که روایاتی مبنی بر قرارگیری معبد یهودیان و قبر یکی از بزرگان آن‌ها در محل مسجد لبنان بوده است ولی این موضوع را در هیچ منبعی نیافته است. از مرحوم حجت الاسلام حاج سید علی خلدی (ه) نقل شده که فرموده‌اند: «در زمانهای قبل از اسلام قبر یکی از پیامبران در این محل بوده است و بعضی افراد هم خواب‌های درارتباط با امتیاز این محل و مسجد دیده‌اند» (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰).

این محله در زمان‌های مختلف تاریخی، بافت جمعیت متغیری داشته است. در دوران زندیه و قاجاریه بیشتر طایفه لرها در این محله حضور داشته‌اند و منابع تاریخی به وضوح گواه شرکت آنان در جریانات پیش و در حین مشروطه اصفهان هستند.

از طرفی تحویلدار نیز اشاره می‌کند که «طایفه قدیمی الوار بختیاری و این‌ها جماعتی کثیرند و منحصرآسه محله اصفهان را پر کرده‌اند: لبنان، جوزدان، شیش» بر اساس روایت رستم الحکما نیز محله لبنان از محلاتی بود که در جریان زندیه از آفات جنگ، غارت و تاراج محفوظ ماند چراکه عده‌ای از افراد ساکن در آن محله همانند زندیه لر بودند (آصف، ۱۳۵۲: ۲۳۵ و ۲۵۶). این موضوع که ریشه لرهای ساکن در این محله مربوط به کدام طایفه است را به صورت قطعی نمی‌توان اذعان داشت اما بر اساس متون متعدد سکونت اقوام لر در این محله برای سال‌های طولانی قطعی است. به طور نمونه سلسله مرحوم رجبعلی لبنانی؛ آن مرحوم رئیس طوایف الوار شهرنشین بود که در محلات بیدآباد و لبنان سکونت داشتند (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۷۴).

آل‌تر که از خاندان‌های علمی معروف اصفهان در قرون هفتم الی دهم بودند و قبور بسیاری از ایشان از جمله صائین‌الدین ترکه و علما و بزرگان دیگری در مقبره‌ای در کنار مسجد لبنان بوده که اکنون آثاری از آن دیده نمی‌شود (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۴). در اصفهان افرادی تحت عنوان بابا که احتمالاً سمت پیش‌کسوتی محل خود را از جهت راهنمایی مردم داشتند بوده‌اند و سه نفر از آنان در این منطقه شناخته شده‌اند یکی بابا سرخ که قبرش در کوچه ای به همین نام قرار داشت و دیگر باباسید که در خیابان لبنان (کنار منزل آقاسید مرتضی حسینی) قرار دارد. قبر بابا علمدار هم نزدیک مسجد سلمان است.

جمعی از معاریف محله لبنان عبارتند از: آتش اصفهانی: (۱۲۸۳-۱۳۴۳ ق)؛ آثار بخارایی: از شعراء قرن ۱۰ و ۱۱ ق و از کدخدا زادگان بخارا است که در اثر رنجش از سلطان بخارا به اصفهان گریخت و مدتی در مسجد لبنان به درس حاضر می‌شد و سپس از راه شیراز به هند رفته است (نصیری، ۱۳۸۴:

۶)؛ آصف - محمد هاشم الحسینی الموسوی: متخلص به آصف فرزند امیر حسن - در قرن ۱۲ ق در اصفهان و ساکن محله لبنان بوده - تحصیلات اولیه اش در مکتب ملاسیدالله در لب نهر شاه (جوی شاه) بوده و به علت وابستگی به خاندان‌های حکومتی و شغل دیوانی پدرش، دسترسی به بعضی اطلاعات درونی دستگاه‌های دولتی و امراء آن زمان داشته و کتاب رستم التواریخ را نوشته است (آصف، ۱۳۵۲: ۳۶)؛ الماس خان: شخصی سیاه چهره در دستگاه ظل السلطان؛ رئیس اویس لبنانی: از روساء لبنان؛ صارم الدوله اکبر میرزا مسعود: فرزند ظل السلطان، وی بعد از پدر در باغ نو (نزدیک فلکه صارمیه) همچون وی در مقام دست‌اندازی به قدرت و بقایای آثار صفویان بود؛ ظل السلطان - مسعود میرزا یا سلطان مسعود میرزا.

در محله، اعتقادات و رسومات خاصی نیز وجود دارد که منجر به رویدادهایی در آن محله می‌شود و یکی از مواردیست که در کالبد معماری اهمیت می‌یابد. از مراسمات رایج در این محله می‌توان به طوق خوانی اشاره کرد، طوق لبنان نوعی علامت برای عزاداری بوده که افراد عقیده داشته‌اند قدمتی چهارصد ساله دارد و مراسم عزاداری با آن را طوق خوانی می‌گفته‌اند. این طوق در خانه‌ها و افراد معتبر محله لبنان نگهداری می‌شده است مانند آقا میرمومنی، حاج عزیز الله حاجیان و سید هاشم سیدمعلمی (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۱) یا به طور مثال در قسمت بالایی ورودی شبستان مسجد لبنان دو اطاق قرار داشت که در زمان‌های قدیم استراحت‌گاه افرادی بوده که مدت زمانی را در این مکان مقدس قصد ماندن و عبادت و تجرد داشتند و نقل شده که عارف مشهور مرحوم حاج شیخ عباسعلی نخودکی اصفهانی بعضی از این دوران‌های عبادتی خود را در این اطاق‌ها گذرانده‌اند (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۰). تخصیص مکانی با کاربری یاد شده به خودی خود موجب جذب افراد خاصی به این محله می‌شده است.

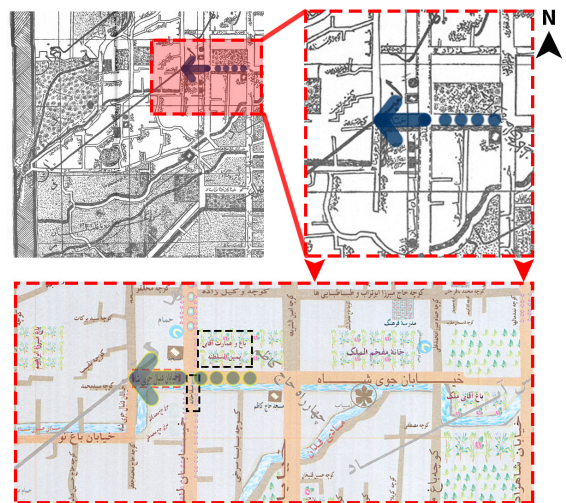


شکل شماره ۳: دروازه سه‌پله در محله لبنان شهر اصفهان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



## شاخصه‌های کالبدی

نمادها و نشانه‌ها یا به بیانی شاخصه‌های کالبدی در معماری از گذشته تا امروز طیف وسیعی از بناها را شامل می‌شود. دروازه‌ها نیز به عنوان یکی از انواع برجسته بناهای نشانه‌ای، جلوه‌های گوناگون داشته‌اند. تداوم خاطره‌ای مکان دروازه‌ها در هر زمان نمود ویژه‌ای داشته است (شعله، ۱۳۸۵: ۲۰). ارباب اصفهانی در کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان در شمارش دروازه‌های شهر اصفهان، از دروازه‌های با نام «سه‌پله» در جانب غربی شهر یاد می‌کند (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۳ و ۲۴). براساس نقشه سیدرضاخان این دروازه در منتهی‌الیه غربی محله لنبان قرار داشته است (شکل ۳). البته بهشتی نژاد علاوه بر دروازه سه‌پله، قائل به وجود دروازه‌ای با نام لنبان نیز هست که در دیگر منابع به آن اشاره‌ای نشده است.



شکل شماره ۴: تعیین خیابان جوی شاه در محله لنبان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

محله لنبان به استناد صورت احصائیه که سرشماری کاملی از اصفهان دوره قاجاریه محسوب می‌شود؛ شامل کوچه‌ها و گذرهای ذیل بوده است (شرح شماره‌ها در ادامه آمده است):

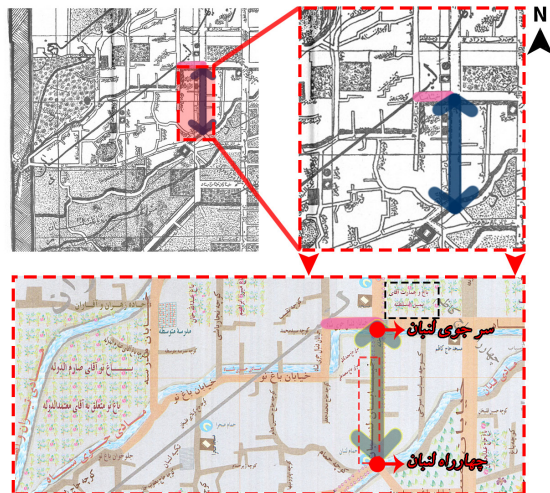
کوچه جوی شاه (۱)، کوچه حاج محمد جعفر زرگر، خیابان لنبان (۲)، سر جوی لنبان (۳)، بقیه سر جوی لنبان، کوچه قصاب‌ها، کوچه حاج محمد حسین، چهارراه لنبان، کوچه حاج اسداله، کوچه حمام لنبان، کوچه رجب علی، کوچه حاج عباس، کوچه چهارراه لنبان (۴)، کوچه حاج صادق، کوچه چهارراه لنبان، کوچه حاج هاشم خان، کوچه پشت منزل میرزا عبدالحسین، کوچه مدبرالدوله، کوچه میرزا اسداله، کوچه بازارچه شعبان علی (۵)، کوچه درب باغ قربانی، کوچه پهلوان، بقیه کوچه درب باغ قربانی، سر جوی لنبان، کوچه الیادان (۶)، کوچه نجارباشی، بقیه کوچه الیادان، سر جوی لنبان، کوچه حمام صحرا، کوچه حاج یعقوب خان، کوچه طاقی، کوچه حاج یعقوب، بقیه کوچه سر جوی لنبان، کوچه هالو مرتضی، کوچه باغ کوره، بقیه کوچه سر جوی لنبان، خیابان سه پله، خیابان درب مسجد لنبان، کوچه علی رضاخان.

در ادامه تطبیق نام کوچه‌های ذکر شده در صورت احصائیه با نقشه سید رضاخان نشانه‌هایی از این محله را مشخص می‌کند.

۱- کوچه جوی شاه اولین گذر در فهرست فوق از محله لنبان است و از آنجایی که پس از اشاره به آن، کوچه حاج محمد جعفر زرگر ثبت شده است، می‌توان استنباط کرد منظور معبری با نام «ادامه خیابان جوی شاه» در نقشه سیدرضاخان بوده است. از سوی دیگر به علت اشاره نشدن به چهارراه حاج کاظم یا باغ و عمارت یمین السلطان و حتی سقاخانه در لیست پلاک‌های کوچه؛ گمان می‌رود جناب سرشماری برای این محله را از تقاطع خیابان چهارسوق شیرازیها و «خیابان دنبال جوی شاه» آغاز کرده باشد که در شکل ۴ مشخص شده است. نامیدن محدوده‌ای به نام جوی شاه که در اصل به نظر گذری در یک محله وسیع تر بوده است، به نقل از بهشتی نژاد دلالت بر عبور نهر آبی با این نام از آن گذر داشته است (و یا قرارگیری گذر در جوار این نهر آب).

۲- جناب پس از شمارش گذر فوق به سراغ خیابان بزرگی به نام لنبان می‌رود که در نقشه، خیابانی با این نام در تقاطع معبر سر جوی شاه قابل مشاهده است. اما این موضوع که از کدام سمت این خیابان شروع به شمارش کرده و چه شده که پس از گذر جوی شاه به سراغ این خیابان آمده مورد مناقشه است، چراکه اشاره‌ای به سقاخانه واقع در ابتدای این خیابان نمی‌کند.

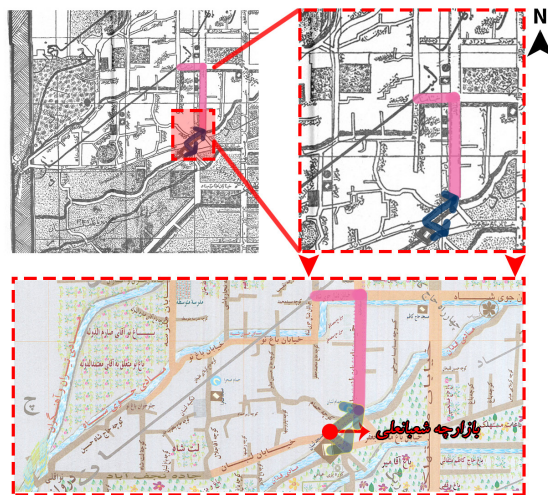
۳- در نقشه سیدرضاخان نام سر جوی لنبان برای هیچ گذری مرقوم نشده است. از طرفی خیابان لنبان به مادی فدن و مادی سر جوی شاه ختم می‌شود لذا می‌توان حدس زد که نام مادی سر جوی در نظر گرفته شده؛ و به دلیل عبور این مادی از محله لنبان در انتهای نامش لفظ لنبان را افزوده‌اند. تنها نشانه کمک‌کننده به تشخیص این خیابان «باغ یمین السلطان» است که در شکل ۵ نیز نمایش داده شده است.



شکل شماره ۵: تعیین خیابان لنبان در محله لنبان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

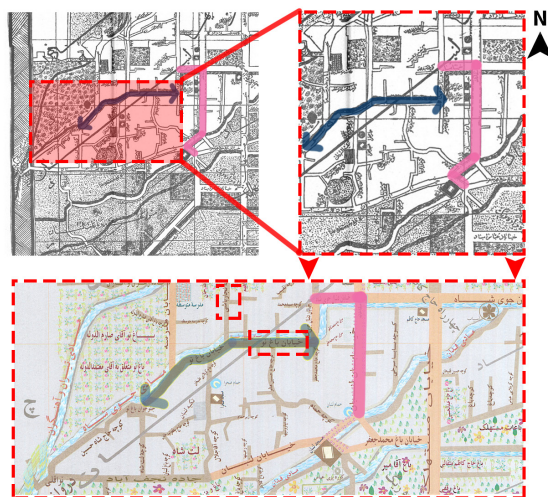
۴- برای تشخیص چهارراه لنبان هیچ نشانی موجود نیست تنها با احتساب احتمال بازدید به ترتیب از کوچه‌ها، گمان می‌رود چهارراه لنبان در تقاطع مادی فدن و خیابان لنبان و در نزدیکی حمام لنبان قرار داشته است؛ چراکه در توالی دو کوچه بعد از آن کوچه حمام لنبان آمده است.

۵- می توان حدس زد کوچه بازارچه محلی شعبانعلی اشاره ای به مجموعه دکاکین هم جوار مسجد لبنان است که در نقشه نام آن موجود نیست (شکل ۶).



شکل شماره ۶: تعیین بازارچه شعبانعلی در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

۶- جناب بعد از ذکر تمام کوچه ها و حوالی مسجد لبنان دوباره به قسمت شمالی محله بازمی گردد. در امتداد سر جوی لبنان کوچه ای به نام یاداران را نام می برد که در ادامه با کوچه نجارباشی برخورد می کند. گمان می رود کوچه ای با نام یاداران سر جوی لبنان و کوچه نجار باشی را مرتبط کرده باشد که در این نقشه کوچه ای به نام یاداران مشاهده نمی شود (کوچه ای با نام مشابه مربوط به حدود محله چهارسوق شیرازی هاست و از مکان مربوطه دسترسی به آن امکان پذیر نیست). نام خیابان باغ نو نیز مورد مناقشه است چرا که گذری با این نام (در میان محله) در احصائیه موجود نیست (شکل ۷).

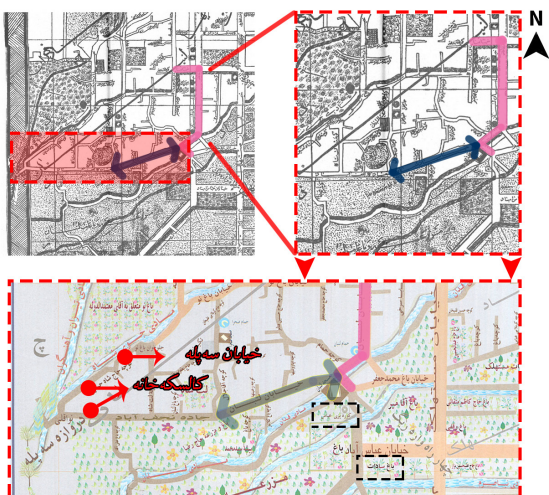


شکل شماره ۷: تعیین خیابان یاداران به تعبیر جناب در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

در ادامه به شناسایی بعضی فضاهای گم شده بر روی نقشه و هم چنین مکان های موجود در هر خیابان اشاره می شود تا بتوان به شناسایی دقیق تر محله پرداخت.

قسمت غربی بعد از جلوخوان واقع در خیابان سر جوی لبنان به دلیل منتهی شدن به دروازه سه پله، خیابان «سه پله» نامیده می شده. همچنین جزئیات فهرست احصائیه حاکی از آن است که کالسکه خانه ای در مسیر این خیابان قرار داشته است.

خیابان درب مسجد لبنان برحسب نام آن قطعاً یکی از خیابان های منتهی به مسجد لبنان خواهد بود. در لیست احصائیه برای یافتن دقیق این معبر، اشاره به وجود طویله کوره پزی در دومین پلاک سمت چپ خیابان است. هم چنین در انتهای کوچه مذکور در فهرست احصائیه به «کالسکه خانه افتخار السادات» اشاره شده است.



شکل شماره ۸: تعیین خیابان درب مسجد لبنان به تعبیر جناب در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

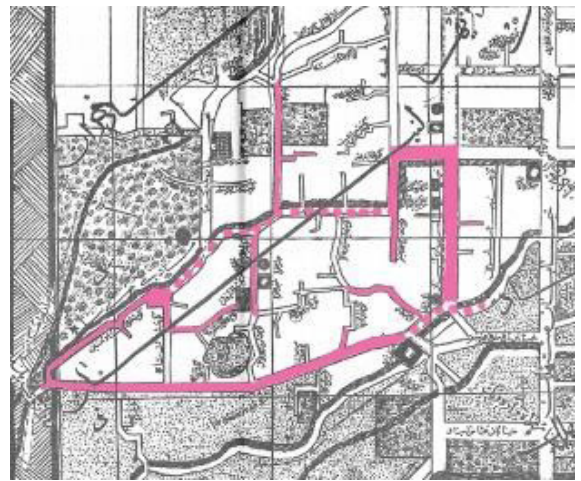
مسیری که در کنار مادی حرکت می کند و در نقشه به آن نامی اطلاق نشده است، می تواند مسیر مذکور انگاشته شود چرا که کوره در سمت چپ آن قرار دارد و در ادامه به جاده ختم می شود، لذا وجود کالسکه خانه در انتهای آن قابل پذیرش است. در نهایت با موقعیت یابی کوچه ها، معابر و خیابان های یاد شده در صورت احصائیه، حدود محله لبنان به صورت شکل ۹ استخراج گردید. معابر رنگی در تطابق یا معادل گذرهای نامبرده در صورت احصائیه هستند و احتمالاً تمامی کوچه هایی که در نقشه یافت نشدند فضای میانی محله تعبیر شده اند یا جناب در ثبت نام دیگری به آن ها نسبت داده یا این ناهمخوانی اسامی در نقشه رخ داده و به آن ها اشاره نشده است. معابری که با نقطه چین مشخص شده اند بر اساس استدلال های پیشین با کمی احتیاط جزئی از این محله در نظر گرفته شده اند.

محله همیشه یک شریان حرکتی داشت که آن را به مراکز اصلی شهر متصل می کرد. لذا علاوه بر شناسایی حدود محله در دوره قاجاریه با معابر نامبرده از آن، لازم است عناصر اصلی محله چون میدان محله، بازارچه، مسجد، تکیه، حمام، آب انبار و یخچال که معمولاً بر این محور اصلی قرار می گرفتند برای تکمیل بازنمایی آن شناسایی شود. در محله های کوچک همه این عناصر در اطراف میدانچه محله گرد می آمدند و مرکزیت محله را تعریف می کردند.

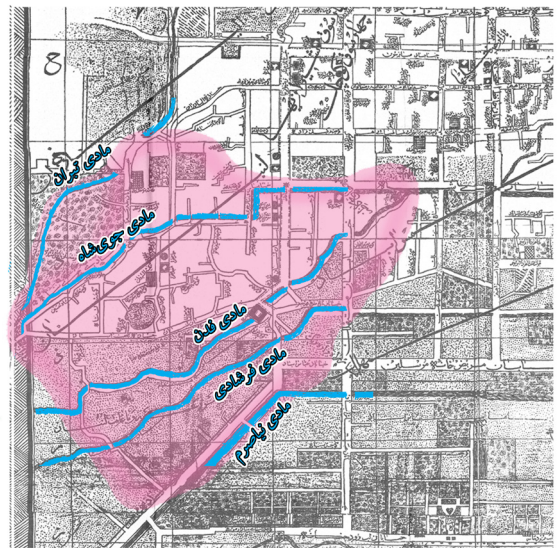




شکل شماره ۱۱: بازنمایی پل‌های محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



شکل شماره ۹: تعیین تمامی معابر محله لبنان به تعبیر جناب بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



شکل شماره ۱۰: بازنمایی مادی‌های محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

بر روی نقشه سید رضاخان حاشیه بزرگی در اطراف زاینده رود صرفا باغات و بیشه‌ها و خالی از سکنه است. از آن‌جا که تأمین آب شرب و مصرفی از طریق چاه، به مراتب آسان‌تر از تأمین آب برای باغ‌ها بوده و نقش اساسی در معیشت ساکنان داشته است. همچنانکه ناصر خسرو (۴۴۴ق) نیز به این امر اشاره کرده است (قبایانی، ۱۳۸۴؛ شفق، ۱۳۸۱: ۱۸۰). لذا ساکنان ترجیح می‌دادند آب مورد نیاز سکونت خود را که مقدار اندکی بوده است، از طریق چاه تأمین کنند و آب زاینده‌رود را که حجم فراوان و دبی مناسبی داشته است، مصروف باغات و کشاورزی کنند. مضاف بر آنکه زاینده‌رود نیز دائمی نبوده و در فصولی، خشک یا کم‌آب می‌شد (جناب و شاردن، ۱۳۷۶: ۱۴۴ و ۱۴۵؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۸۲ و ۱۸۳)

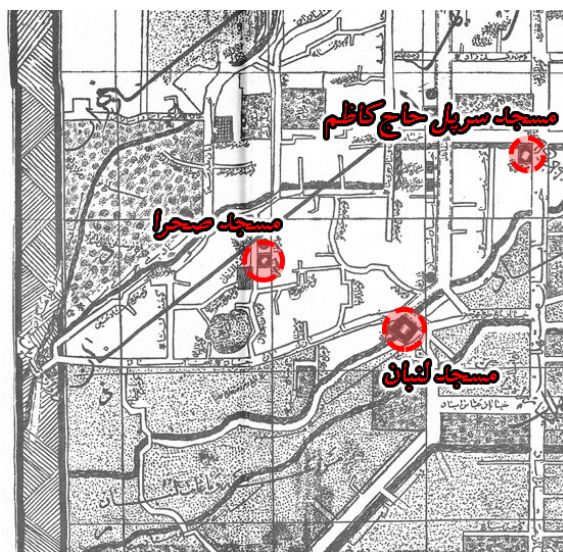
علاوه پل، مادی و کوچه‌ها بناهایی به صورت منفرد و شاخص وجود دارند که موجب هویت بخشی و به یادآوری لبنان برای افراد محلی می‌شود. اولین دسته بنایی که در محلات عصری شاخص محسوب می‌شود مسجد است. نکته جالب چند مسجیدی بودن محله لبنان است که به نظر می‌رسد هر یک از این مساجد در یک محدوده از زیر محلات قرار می‌گیرند. مساجد این محله عبارتند از: **مسجد لبنان**: تاریخچه‌ای دقیق از مسجد لبنان در دست نیست. ابن رسته در کتاب اعلاق النفیسه (۲۹۰ق) مساجد قدیمی اصفهان را نام برده که به نظر می‌رسد مسجد اصرم همان مسجد لبنان باشد (ابن رسته و یعقوبی، ۱۸۹۲م: ۲۰۰). «مسجد لبنان از مساجد معروف اصفهان است و آن وضع غربی دارد صحنی به یک طرف ساخته‌اند و عمارت طالار مانند و بلند به یک جانب آن صحن بر روی نهر فدین زده و ساخته‌اند و تمام نهر از زیر طالار مذکور می‌گذرد. عقب این طالار شبستان مانند محلی در همان بلندی ساخته‌اند چنانچه این‌ها با هم قرن هاست که به پا و بی خلل است مردم اصفهان این مسجد را مقام متبرک می‌دانند و چیزها حکایت می‌کنند دو طرف دخول و خروج آن نهر از زیر

تحلیل نقشه‌ها نشان می‌دهد ابر محله لبنان تنها محله‌ای در اصفهان قاجاری است که از عبور تمامی مادی‌ها بهره برده است. مادی‌ها در زمان رونق موجب ایجاد شغل‌هایی می‌شدند که با خشکسالی‌های ایجاد شده در بازه‌های زمانی گوناگون آن بیشه‌ها نیز از بین رفته‌اند. این مادی‌ها عبارتند از مادی فدن، مادی قمیش، مادی نیاصرم، جوی معروف به جوی شاه، مادی تیران. عبور مادی‌ها و جوی‌های فرعی منشعب شده از آن موجب تلطیف هوای منطقه می‌شد و در پی آن موجب جذب مردم مناطق دیگر شهر برای هواخوری و خوش گذرانی به این منطقه را فراهم می‌کرد. این رویداد باز خورد اثری است که مادی‌ها بر هوای محله و به تبع آن بر شکل‌گیری قرارگاه رفتاری آن داشته‌اند.

علاوه بر آن پل‌هایی برای عبور از این مادی‌ها تعریف شده بود که تعدادی از آن‌ها در نقشه سید رضاخان نیز یافت می‌شود. پل‌های معروف این محله عبارت بوده‌اند از پل سه‌پله، پل چوبی، حاج کاظم (شکل ۱۱).



این مسجد درختان بسیار و محل خوش آب و هوا و مکان با صفا و فضایی است (ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸: ۶۷). مرحوم میرسیدعلی جناب در خصوص این مسجد می‌نویسد: به سبب آن که سر راه عربستان به اصفهان واقع بوده است، مسافری خوزستان بلکه عراق عرب از راه بختیاری و پل ماربانان و این مسجد به شهر اصفهان و ری و جرجان می‌رفته‌اند. در سفرنامه‌ها مانند رحله ابن بطوطه ذکر آب و هوا و اشجار و صفا و طراوتی که در مسجد است، جلب توجه مسافرین را به خود کرده است. این مسجد قبل از زمان صفویه به حالت خرابی افتاده بوده شده است. شاه طهماسب اول این بنای کنونی را در تعمیر آن گذارده است.



شکل شماره ۲: بازنمایی مساجد محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

- **مسجد صحرا:** در محله صحرای لبنان و در کنار حمام و بازارچه‌ای به همین نام قرار داشته است. سید مصلاح الدین مهدوی این مسجد را صحراکارها یا گازرها نامیده و سیدمحمدباقر بهشتی را امام جماعت آن می‌خواند (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸۱) (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۰).

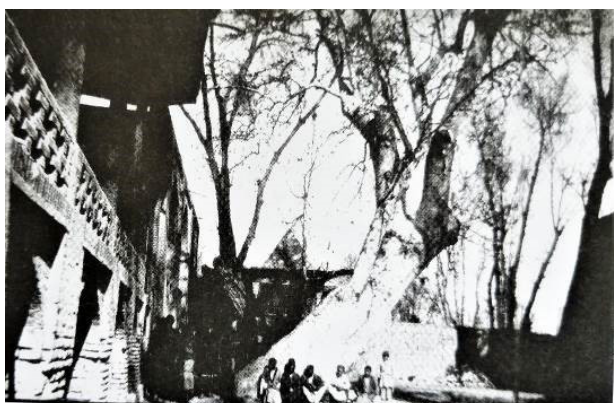
- **مسجد سرپل حاج کاظم:** در حال حاضر تعمیر و بازسازی گردیده و مورد استفاده است. مهدوی این مسجد را نیز «مسجد سرجوی شاه» نام گذاری کرده است (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸۱) (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۱).

- **مسجد زرگر باشی:** با وجود آن که متعلق به دوره قاجار است اما در نقشه سید رضاخان دیده نمی‌شود (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۲).

از دیگر نشانه‌ها و عناصر خاص در محله لبنان چنارهایی در مسجد لبنان و اطراف آن نقل شده که با تغییر مسیر مادی خشک شده‌اند (عکس ۱). همچنین در مسجد لبنان یا جایی در نزدیک آن تکیه و مدرسه‌ای قرار داشته است.

دومین بنای مهم در ساختار محلات بازارچه‌ها و مراکز اقتصادی محله هستند. بازارچه لبنان در جوار مسجد لبنان، به صورت مکانی مسقف با مجموعه‌ای از دکاکین یاد شده. ابتدای این بازارچه و در کنار منار فعلی مسجد، درب معروف لبنان قرار داشته که در مواقع مناسب باز یا بسته می‌شده است. این بازارچه به

فرم L شکل در قسمتی عمود بر راستای محور مسجد و در قسمتی به موازات آن سازماندهی شده بود. در نقشه سید رضاخان نامی بر این بازارچه نوشته نشده ولی مجموعه دکاکینی در جوار مسجد لبنان نشان داده شده است. در انتهای شرقی بازارچه نیز حمام لبنان قرار داشته که ترکیب این سه عنصر (بازارچه، حمام و مسجد) به مانند سازمان‌دهی مرکز این محله در این نقطه است منتهی لازم به ذکر است که مرکز این محله میدانچه یا با فرمی مدور نیست و بیشتر به گذری شبیه است که این کاربری‌ها در نقطه‌ای از آن تجمع یافته‌اند. این عناصر که در زمره مهم‌ترین عناصر معماری هویت‌بخش به محلات به شمار می‌آیند قلب مرکز محله لبنان را نشان می‌دهند. با دورتر شدن از این نقطه احساس تعلق و وابستگی به لبنان به نسبت کمتر می‌شده است.



عکس شماره ۱: نمایی از مسجد لبنان و چنار معروف آن.

دومین بازارچه‌ای که بهشتی نژاد به عنوان بازارچه محله لبنان به آن اشاره می‌کند بازارچه کوچک مسقفی در کنار مسجد و حمام و تکیه صحرا است که به آن تکیه لبنان هم می‌گفتند و مغازه‌های نانوائی و قصابی و بقالی و غیره در آن قرار داشت. هنوز هم قسمتی از آن باقی است (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۷ و ۱۸). این خود جای سوال است که آیا وسعت یک محله به حدی است که دو واحد از هر بنای شاخص و اصلی مانند بازارچه دارا باشد یا که این بازارچه‌ها مربوط به ریزمحلاتی است که در دل این ابرمحله قرار داشته‌اند؟

سومین دسته بناهای اشاره شده در محله لبنان مکتب‌ها و مدارس است. مکتب‌های زیادی در محله لبنان وجود داشته‌اند که مدرک و سند تاریخی بر باقی بودن آن‌ها در دوره قاجاریه وجود ندارد. تنها مکتب‌خانه ملامحمد مهدی در قرن سیزده قمری در کنار مسجد لبنان در این دوره قطعیت دارد. (بهشتی نژاد، ۱۳۸۸: ۷۷).

البته ایمانیه به وجود مدرسه‌ای به نام «مدرسه لبنان» در سال ۱۳۲۷ق در این محله اذعان دارد که این مدرسه فقط به مدت سه سال دوام داشته است (ایمانیه، بدون تاریخ: ۱۷۵).

از زمان‌های قدیم قرارگیری زورخانه‌هایی در این محله نقل شده است. زورخانه محله بزرگ لبنان در ضلع جنوبی خیابان لبنان، جاده قدیم نجف آباد (بر اساس نقشه سید رضاخان) قرار داشت و عباس پهلوانی و پسرش آن را اداره می‌کردند. این باشگاه، متاخرتر از بقیه

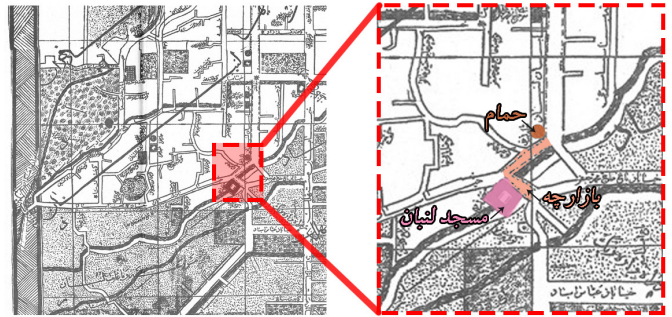


### نتیجه گیری

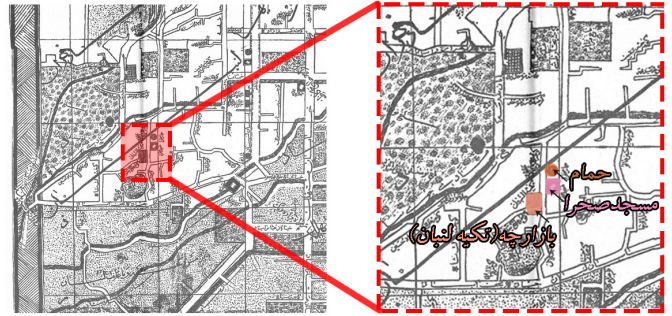
در خصوص گستره فضایی محله لبنان اصفهان در دوره قاجاریه، مطالعات گسترده‌ای صورت گرفت. در این پژوهش کوشیده شد تا پس از کشف و تطبیق داده‌های مختلف تاریخی، محله لبنان توصیف و بازنمایی گردد. حدود این محله در دوره قاجاریه با تدقیق احصائیة میر سید علی جناب بر نقشه سید رضاخان صورت گرفت و مولفه‌های شاخص محله لبنان که عموماً برای افراد محلی اهمیت دارد و محله به واسطه وجود آنان تعریف می‌شود با خوانش نقشه و استفاده از تاریخ‌نگاری‌های محلی تشخیص داده شد. در ذکر این مولفه‌های کالبدی برای شناسایی محله لبنان می‌توان به دو دسته مکان اشاره کرد. دسته اول: مکان‌های شاخص تر و مسلم به لحاظ وجود؛ مثل مسجد لبنان، تکیه، حمام. دسته دوم: مکان‌هایی غیر شاخص و محلی مانند کالسکه‌خانه در مسیر ورود به جاده، نامیدن فضایی با نام دیگر به نام محله خود (سرجوی لبنان)، بازارچه شعبان‌علی‌خان، کالسکه‌خانه‌های نزدیک دروازه و... این‌ها خود جزئیاتی است که یک محله را منحصر به فردتر و شناخته شده‌تر تعریف می‌کند و کم‌کم به آن شخصیت می‌دهد. امید است شناخت ساختار پیشین این محله در توسعه‌های آتی آن راهگشا باشد

### پی نوشت

۱. به نقل از اسناد موقوفات اصفهان، ج ۱، ۱۳۸۸، ۳۲۲.



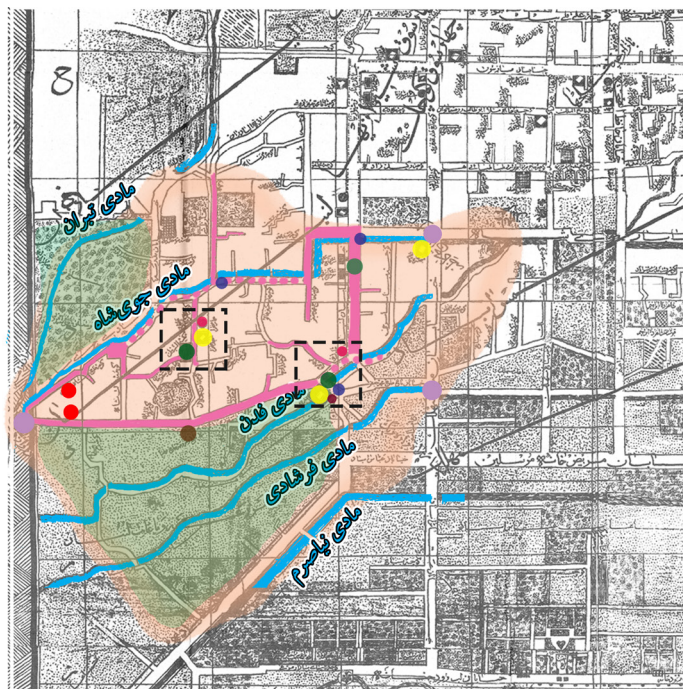
شکل شماره ۱۳: بازنمایی حدودی یک مرکز محله در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



شکل شماره ۱۴: بازنمایی حدودی یک مرکز محله در محله لبنان بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.

زورخانه‌های شهر به نظر می‌رسد (اسناد ملی، ۲۳۶۳۸-۲۹۷).

علاوه بر آن سه سقاخانه در محله لبنان وجود داشته است یک سقاخانه لبنان، که از آثار باقی‌مانده از دوره صفوی است و در قسمت شرقی حسینه مسجد در کنار کوچه گذر قدیمی قرار گرفته است. دومی سقاخانه‌ای در ابتدای لبنان در سرجوی شاه. سوم سقاخانه‌ای در دنبال نهر جوی شاه. سقاخانه لبنان در بازارچه‌ای در خیابان لبنان و جنب مسجد کوهک قرار داشته است. (سند ۱/۱۲۷، ۲۴، ۱۳۳۹)



شکل شماره ۱۵: بازنمایی کامل محله لبنان در دوره قاجاریه بر نقشه سیدرضاخان؛ ترسیم: پژوهشگر ۱۳۹۸.



## فهرست منابع و مراجع

۱. ابن رسته، احمدبن عمر و احمدبن اسحاق یعقوبی (۱۸۹۲م)، **الاعلاق النفیسه و بلیه کتاب البلدان**، نشر دارصاد، بیروت-لبنان، جلد ۱، ۷ جلد.
۲. آصف، محمدهاشم (۱۳۵۲)، **رستم التواریخ**، تدوین توسط محمد مشیری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳. اصفهانی، حمزه (۱۳۶۶)، **تاریخ پیامبران و شاهان**، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۴. اصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا (۱۳۶۸)، **نصف جهان فی تعریف اصفهان**، تدوین توسط منوچهر ستوده، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۵. امیرخانی، آرین و پیرام بقایی و محمدرضا بمانیان (۱۳۸۸)، «تاملی بر چگونگی ساماندهی میدان‌های شهری»، **کتاب ماه هنر**، شماره ۱۳۶، ۲۶-۳۰.
۶. ایمانی، مجتبی (بدون تاریخ)، **تاریخ فرهنگ اصفهان (مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون)**، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۷. باستانی راد، حسن (۱۳۹۱)، «کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی»، **پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره دهم، ۱-۳۰، بهار و تابستان.
۸. باستانی راد، حسن و دل‌آرا مردوخ (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران»، **پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره دوازدهم، ۲۱-۵۰.
۹. بهشتی‌نژاد، سید محمدعلی (۱۳۸۸)، **مسجد و محله لنبان**، انتشارات فرهنگ و مردم، اصفهان.
۱۰. پارسی، فرامرز و کاوه منصوری و نگار بدری (۱۳۹۰)، «بررسی نظام اجتماعی در ساختار شهرهای ایران و تبیین جایگاه محلات به مثابه نظام اجتماعی شکل دهنده به شهر قاجاری»، **اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی**، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ۹۶۹-۹۹۴.
۱۱. تحویلدار، حسین بن محمد ابراهیم (۱۳۴۲)، **جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر**، تدوین منوچهر ستوده، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. نقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام و بهناز امین‌زاده (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی»، **هویت شهر**، شماره سیزدهم، سال هفتم، ۳۱-۴۴.
۱۳. جناب، سیدعلی (۱۳۹۳)، **احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان**، تدوین رضوان پورعصار، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۱۴. جناب، میرسیدعلی (۱۳۸۶)، **آثار و ابنیه تاریخی اصفهان**، تدوین رضوان پورعصار، سازمان فذهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۱۵. جناب، میرسیدعلی و ژان شاردن (۱۳۷۶)، **الاصفهان**، تدوین محمدرضا ریاضی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۱۶. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰)، **معجم البلدان**، تدوین اصغر مهرپرور و محمد جوزی، ترجمه علی نقی منزوی، جلد ۱، ۲ جلد، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
۱۷. رجائی، عبدالمهدی و محمدعلی چلونگر و مرتضی نورانی (۱۳۹۰)، «تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار و مولفه‌های آن»، **مطالعات اسلامی؛ تاریخ و فرهنگ**، ۲۹-۵۲، بهار و تابستان.
۱۸. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲) **آثار ملی اصفهان**، انجمن آثار ملی، تهران.
۱۹. سالاری پور، علی‌اکبر؛ حمیدرضا رضضانی؛ نادر زالی و مریم صفای کارپور (۱۳۹۷)، «بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان مطالعه موردی: محله ساغر یسازان شهر رشت»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۳۴، ۳۵-۸۸.
۲۰. سرائی، محمدحسین و فریبا بهرامی و شیرین مهره کش (۱۳۹۱)، «مولفه‌های هویت بخش محله‌های تاریخی شهر، بافت پیرامون مسجد جامع شهر اصفهان»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره هفتم، ۲۷-۳۶.
۲۱. سروش، مهنوش (۱۳۸۵)، «بازاندیشی در شیوه فهم تاریخ معماری»، **گلستان هنر**، شماره ششم، ۷۶-۸۰.
۲۲. سند ۱/۱۲۷ (۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۹ ق.م)، «دکاکین بازار بیدآباد»، **اسناد موقوفات اصفهان**، اصفهان، دفتر اول.
۲۳. سند ۲۹۷/۲۳۳۶۳۸ (۱۳۱۶)، «صورت اسامی مسابقه‌های رسمی ورزشی و زورخانه‌ها و بنگاه‌های ورزشی اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش»، **آرشیو اسناد ملی ایران**.
۲۴. شعله، مهسا (۱۳۸۵)، «دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای»، **هنرهای زیبا**، شماره ۲۷، ۱۷-۲۶، پاییز.
۲۵. شفقی، سیروس (۱۳۸۱)، **جغرافیای اصفهان**، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۲۶. شیعه، اسماعیل (۱۳۹۳)، **مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲۷. قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۴)، **سفرنامه ناصر خسرو و قبادیانی به انضمام روشنایی نامه و سعادت نامه**، انتشارات اساطیر، تهران.
۲۸. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، **آثار البلاد و اخبار العباد**، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۹. کاشانی‌جو، خشایار و الیناز فتح‌العلومی (۱۳۹۴)، «بازشناسی نقش محلات در شهرهای ایرانی - اسلامی»، **همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی**، دانشگاه پیام نور استان گیلان، مرکز رشت، بهار.
۳۰. کلاتری خلیل آباد، حسین؛ مهدی حقی و محسن دادخواه (۱۳۹۳)، «مولفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، **نقش جهان**، شماره اول، دوره چهارم، ۱۷-۲۶.
۳۱. مافروخی، فضل‌بن سعده (۱۳۸۵)، **محاسن اصفهان**، تدوین عباس اقبال آشتیانی، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، اصفهان.
۳۲. مبارکه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۰)، **نورالنور فی کشف احوال بنت موسی ابن جعفر**، کتابفروشی کمالی، اصفهان.
۳۳. محمدی، جمال و سیدرضا آزاده (۱۳۹۷)، «مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق‌پذیری با شاخص‌های ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: محله جویباره و شهرک نگین)»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۳۴، ۲۳-۳۴.
۳۴. مردانی، سیده زهرا (۱۳۹۴)، «طبقه‌بندی آراء متفکران مطالعات شهر اسلامی»، **باغ نظر**، شماره ۳۵، سال دوازدهم، ۶۵-۷۴.
۳۵. مهدوی، سید مصلح‌الدین (۱۳۸۷)، **اعلام اصفهان**، تدوین غلامرضا نصراللهی، جلد دوم، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۳۶. موقر، حمیدرضا و احسان رنجبر و محمدرضا پورجعفر (۱۳۹۴)، «بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران؛ نمونه مطالعاتی: محله‌های شهر ناین»، **مطالعات معماری ایران**، شماره هفتم، ۳۵-۵۶.
۳۷. نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴)، **اثر آفرینان زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران** (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، تدوین حسین محدث‌زاده، مینا احمدیان و حبیب‌الله عباسی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران).
۳۸. هولتسر، ارنست (۱۳۵۵)، **ایران در یکصد و سی‌ده سال پیش**، تدوین محمد عاصمی، وزارت فرهنگ و هنر (مرکز مردم شناسی ایران)، تهران.
۳۹. وزیر، احمدعلی خان (۱۳۸۵)، **جغرافیای کرمان به ضمیمه رساله دهات کرمان**، تدوین محمد ابراهیم باستانی پاریزی، نشر علم، تهران.
40. Arigoni, Danielle (2001), **Affordable housing and smart growth making the connection**, Washington D.C., National Neighborhood Coalition .
41. Sauer, Carlo (2009) "forward to historical geography", **Annals of the association of American geographers**, 31, 1-24.

# Recognition of the area and elements of Isfahan's Lonban neighborhood in the Qajar period

**Mahsa Payedar**

M.Sc. in Iranian Architecture Studies, Isfahan Art University, Isfahan

**Mohsen Afshary** \*(Corresponding Author)

Assistant Professor of Architecture Department, School of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan

\* E-Mail: [m.afshary@aiui.ac.ir](mailto:m.afshary@aiui.ac.ir)

## Abstract:

Life in the traditional cities of Iran until the end of the Qajar period was organized in the form of a neighborhood, which suffered a physical and functional rupture following the urban development of the Pahlavi period. Over time, changing the lifestyle and accelerating its process caused semantic changes, isolation and destruction of neighborhood structures from the collective memory of citizens. Since the neighborhood is the bedrock of current life in the old city and the most important residential scale, it is important to study its structure and key elements. However, not much research has been done on the structure of neighborhoods in Isfahan during the Qajar period and in order to identify each neighborhood from the perspective of architectural history studies. In this regard, Lonban neighborhood, which is one of the oldest and largest neighborhoods in Isfahan and located in the western part of the city will be studied in the mentioned period. The purpose of this recognition is to examine and map the historical background of one of the most important historical cities of Iran. The present research has been done by historical-interpretive method and using valid written historical sources. Historical data from which the existence of the neighborhood originated or was important to local people were compiled and extracted as key components from various sources, including maps, travelogues, historiographies, etc., and with different perspectives on the five categories of natural, historical, economic and occupational, demographic, and physical characteristics were explained. Finally, using the studies and matching with Seyyed Reza Khan's map, the area of this neighborhood in the city of Qajar period was redrawn and the key elements in this neighborhood were identified and their positioning was done. These studies are not only valuable in terms of urban historiography, but as a structure derived from human behaviors and activities over a long period of time and in accordance with their natural environment, it is essential for the process of improving the quality of today's cities.

**Keywords:** Recognition, Neighborhood, Lonban, Isfahan, Qajar period.